

صیانت‌گری و مشارکت‌افزایی: واکاوی تاثیر کارویژه‌های حق بر آزادی تجمع در مناسبات دولت و ملت

آرین قاسمی^۱ - علی اکبر گرجی ازندیانی^۲ - سید محمد صادق احمدی^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۰

چکیده

حق بر آزادی تجمع از جمله آزادی‌های فردی است که به شکل گروهی قابلیت اعمال دارد. این حق به عنوان یکی از حقوق بشری از دیرباز در مقاطع تاریخی گوناگون و خصوصاً در طول سال‌های اخیر در سلسله تجمعات اعتراضی مختلف نقشی جدی از خود نشان داده است. از همین رو، واکاوی کارکردهای حق یاد شده می‌تواند بر اهمیت جلوه کند. به نظر می‌رسد کارویژه‌های این حق را می‌توان در صیانت‌گری از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها و مشارکت‌افزایی شهروندان ارزیابی کرد. این پژوهش نشان می‌دهد در مبنای صیانت‌گر، حق یاد شده به مانند سایر انواع آزادی‌های گروهی، ایفاگر نقش صیانت‌گر از حقوق فردی و آزادی‌های گروهی است. از سوی دیگر، این حق در مبنای مشارکت‌افزا، به عنوان روشی برای مشارکت در تعیین سرنوشت و زمینه‌ساز توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی به حساب می‌آید و از طریق دو کارکرد یاد شده در مناسبات میان دولت و شهروندان موثر است.

واژگان کلیدی: حق بر آزادی تجمع، کارویژه‌ها، صیانت‌گری، مشارکت‌افزایی، دولت

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
a_ghassemi@hotmail.com
gorji110@yahoo.fr

۲. دانشیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۳. استادیار حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
sms_ahmadi@khuisf.ac.ir

مقدمه

آزادی تجمع^۱، در عام‌ترین معنا، به عنوان یکی از آزادی‌های گروهی^۲، در راستای آزادی‌های فردی و ملازم آن است.^۳ اما در واژه‌شناسی حقوقی، آزادی تجمع، در معنای موسع کلمه، در گروهی جدای از آزادی‌ها یا حقوق فردی قرار می‌گیرد^۴ و تمامی انواع آزادی‌های گروهی به نوعی با آن ارتباطی مستقیم و وثیق می‌یابند. از این منظر، هریک از آزادی‌های گروهی، اعم از آزادی‌های سازمان پیوندی، آزادی‌های گردهمایی نهادی یا آزادی سندیکایی تا آزادی تجمع در معنای اخص، با فراتر رفتن از حدود آزادی‌های فردی، در خود متضمن آزادی تجمع یا گردهم آمدن افراد نیز هستند. به عبارت بهتر ریشه همه گردهمایی‌های مجاز تجمع است (دوفار، ۱۳۹۱: ۲۸). بدین ترتیب که اگر تجمع محترم شمرده نشود^۵ سازماندهی و سازمان‌یابی آن بصورت نهادی، اعم از تشکیل حزب یا سندیکا، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در معنای اخص، آزادی تجمع عبارت از گردهم آمدن عمومی، موقتی، ارادی و هدفمند عده‌ای به منظور دفاع از امر یا منفعتی یا مقابله با امر یا مضاری است^۶ که در گستره‌ای عام تجمعات اعتراضی و ... را نیز در بر می‌گیرد.

واکاوی جایگاه‌شناختی این حق نیز حائز اهمیت است. در تقسیم‌بندی‌های کلاسیک، حقوق و آزادی‌های عمومی، که یکی از موضوعات مورد مطالعه و محوری حقوق اساسی و از عناصر بنیادین مطالعات حقوقی (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۸۵) است، این حقوق به چهار دسته عمده آزادی‌های مربوط به اعمال فردی^۷، آزادی اندیشه^۸، آزادی گروه‌بندی^۹ و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی^{۱۰} تقسیم‌بندی می‌شود^{۱۱}. از این مقسم، حق بر آزادی تجمع در دسته آزادی گروه‌بندی

1. Freedom of Assembly.

2. Collective Rights.

۳. بنگرید به: قاسمی، آریز، (۱۳۹۲)، حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۴. توجه به دسته‌بندی‌هایی که در خصوص حقوق فردی و آزادی‌های گروهی در متون حقوق اساسی دیده می‌شود، مبین این نکته است که حقوق و آزادی‌های عمومی مطابق تقسیم‌بندی کلاسیک به چهار دسته آزادی‌های مربوط به اعمال فردی، آزادی اندیشه، آزادی‌های گروهی و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌شوند.

۵. با توجه به سنت فکری در گرایش به حقوق طبیعی در مقابل حقوق موضوعه در انتخاب واژگان «محترم شمردن آزادی تجمع» در مقابل و به جای شناسایی آزادی تجمع تاکید شده است زیرا که این حق مانند دیگر حقوق ذاتی برای ابناي بشر به حکم بشر بودن موجود است.

۶. چنین تعریفی معطوف به عناصر متشکله و فاقد سابقه طرح است.

۷. شامل امنیت، آزادی و مصونیت مسکن، تعرض ناپذیری مکاتبات، آزادی رفت و آمد.

۸. شامل آزادی عقیده و آئین، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی نمایش.

۹. شامل آزادی تجمع و آزادی سازمان پیوندی.

۱۰. شامل مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.

۱۱. بنگرید به: قاضی، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان، ص ۵۵۶ به بعد.

قرار گرفته، به اعتبار موقتی یا دائمی بودن در زیر شاخه موقتی این دسته قرار دارد. از منظر قوام‌یافتگی، به معنای فردی یا جمعی بودن اعمال آن‌ها، آزادی‌ها در دو دسته فردی و گروهی قابل شناسایی‌اند. آزادی‌های گروهی، دسته‌ای از نسل اول^۱ و بعضاً دوم حقوق بشر هستند که از ماهیت حق‌های فردی فراتر می‌روند و در راستا و امتداد آن‌ها، ماهیتی چند جانبه می‌یابند. اعمال حقوق یاد شده، زمانی قابل تصور است که از سوی جمعی از افراد ذی‌حق در جامعه اعمال گردند یا به تعبیری اعمال آن‌ها صرفاً به طور جمعی امکان‌پذیر است (عباسی، ۱۳۸۹: ۳۶۶). حق بر آزادی تجمع از این منظر در زمره آزادی‌های گروهی قرار داشته و تکثر اعمال‌کنندگان از عناصر بنیادین آن است.^۲

در واکاوش مبتنی بر ضرورت برآمده از اتفاقات نیز حق بر آزادی تجمع در مقاطع تاریخی متعددی اهمیت خود را نشان داده است (Rohde, 2005). نمونه‌های گوناگون این تجلی، از سالیان دور تا تحولات سال‌های اخیر در خاورمیانه و قفقاز قابل ردیابی است. ازدیاد وقوع سلسله تجمعات اعتراضی در کشورهای مختلف، منجر به مساله‌زایی این امر شده است که حق بر آزادی تجمع چه مبنا و جایگاهی در سامانه حقوقی-سیاسی دارد. بویژه کارویژه‌های آن در مناسبات دولت و ملت چه تاثیری دارد. نوآورانه بودن موضوع تحقیق نیز از همین منظر قابل تحلیل است. اگرچه سخن از حق بر آزادی تجمع، جنبه‌های گوناگونی همچون مبانی^۳، تضمین در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای^۴، محدودیت‌های آن‌ها^۵ به ویژه در رابطه با دیگر مفاهیم بنیادین حقوق عمومی^۶ و... را در بر می‌گیرد، اما همراستا با تحدید موضوع، فقدان سابقه پژوهش کارویژه‌محور در حوزه حق بر آزادی تجمع در ادبیات علمی حقوقی-سیاسی و بررسی تاثیرگذاری آن‌ها در روابط میان دولت و ملت، نوگرایی این پژوهش را نسبت به ادبیات پیشین که به توصیف و تحلیل

۱. بنگرید به: تاموشات، کریستیان، (۱۳۹۱)، *حقوق بشر*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، فصل سوم به بعد.
۲. بنگرید به: قاسمی، آرین، (۱۳۹۲)، *حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳. بنگرید به: اسلامی، رضا و کمال‌وند، محمدمهدی، (۱۳۹۴)، *آزادی اجتماعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر و سیستم حقوقی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۴. عباسی، بیژن، (۱۳۹۵)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
۵. منصور، میلاد و امجدی، سجاد، (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر محدودیت‌های برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز»، اولین کنفرانس پدافند غیرعامل در علوم انسانی علوم اجتماعی اقتصاد مدیریت و توسعه.
۶. خلخالی، فرید، (۱۳۸۳)، «نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره سوم.

دیگر سوییجهای حق یاد شده پرداخته‌اند، موجب گردیده است. افزون بر آن، بدون توجه به این کارویژه‌ها، وضع شروط محدود یا سلب‌کننده بر حق بر آزادی تجمع می‌تواند به تعطیل این حق به عنوان یکی از حقوق بشر منجر شود. این امر اهمیت پژوهش را نشان داده و بر ضرورت آن در این برهه زمانی می‌افزاید. مساله‌زای فوق تکوین‌دهنده پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق است. در این راستا، پرسش اصلی نوشتار عبارت است: "کارویژه‌های حق بر آزادی تجمع کدام است؟" و پرسش فرعی آن است که "کارویژه‌های حق بر آزادی تجمع چگونه می‌تواند در مناسبات میان دولت و ملت موثر واقع شود؟" فرضیه اساسی تحقیق عبارت از این است که "کارویژه‌های حق بر آزادی تجمع در حمایت از حقوق فردی و آزادی‌های گروهی (صیانت‌گری) و زمینه‌سازی مشارکت شهروندان (مشارکت‌افزایی) تجلی دارد" و فرضیه فرعی عبارتست از آن که حق اخیر "به مثابه ابزار و سازوکاری برای کنش یا واکنش در عرصه اجتماعی می‌تواند بر مناسبات دولت و ملت تاثیرگذار باشد." پاسخ به پرسش‌ها و رد اثبات فرضیه‌های اخیر با پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی با ساماندهی دو بخشی صورت پذیرفته است. در بخش نخست به کارویژه صیانت‌گری (۱) پرداخته می‌شود و اثر آن در مناسبات میان دولت و ملت مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بخش دوم کارویژه مشارکت‌افزایی (۲) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و نقش آن در مناسبات یاد شده را بررسی می‌نماید.

۱. صیانت‌گری

به طور عام آزادی‌های گروهی و به طور خاص حق بر آزادی تجمع، سبب صیانت از حق‌ها و آزادی‌های فردی می‌شوند. به عبارت بهتر آزادی‌های فردی به عنوان هسته‌ای هستند که آزادی‌های گروهی در مقام حفاظت از آن‌ها به عنوان پوسته قرار دارند. از سوی دیگر، هر یک از آزادی‌های گروهی به طور مستقیم در یکدیگر تاثیر متقابل دارند. بطور خاص حق بر آزادی تجمع نیز از همین منطبق پیروی می‌کند. تا حدی که برخی از این سخن گفته‌اند که «حق بر آزادی تجمع و حق افراد خصوصی در حضور و ورود به تجمعات اعتراضی پایه‌گذار تحقق دایره وسیعی از حقوق خواه مدنی-سیاسی باشد یا اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی می‌شود»^۱. بنابراین نخستین کارویژه حق بر آزادی تجمع را باید در صیانت از حق‌ها و آزادی‌ها در بُعد فردی و حمایت از

1. Conference Report: Peaceful Protest: Cornerstone of Democracy, available at: <https://www.wiltonpark.org.uk/conference/wp1154/>.

آزادی‌های گروهی دانست.

۱-۱. بُعد فردی

جلوه صیانت‌گر حق بر آزادی تجمع در بعد فردی خود را در صیانت از حق‌ها و آزادی‌های فردی به ویژه آزادی بیان نشان می‌دهد.

۱-۱-۱. حق‌ها و آزادی‌های فردی

به تعبیر بنیان‌گذاران آمریکا «قول دادن (به حفظ حقوق) و عمل به آن دو چیز متفاوت است» (Rohde, 2005: 15). توجه به فرآیند و تجربیات تاریخی بشر در مواجهه با دولت‌ها، مبین ضرورت ایجاد سازوکارهای تضمینی حقوق و آزادی‌ها به طور عام گردیده است. از این رو به مرور جنبه‌ای از هنجار-سازوکارهای حقوقی-به این معنا که هم خصلت هنجاری و ارزش فی‌نفسه دارند و هم خصلت سازوکاری برای تامین آزادی‌های دیگر- که به آزادی‌های گروهی شهرت یافته‌اند، اهمیت فراوانی پیدا کرده‌اند. چرا که «اگر دولت‌ها به راحتی بتوانند با اراده فردی مقابله کنند سرکوب اراده جمعی برای آنان بسی دشوارتر است» (دوفار، ۱۳۹۱: ۱۱). نظارت مداوم بر نهاد دولت و بهره‌مندی از صدفی محکم و ساخته شده از اراده جمعی که می‌توان به کمک آن به صیانت از گوهر گران‌بهای حق‌ها و آزادی‌های فردی پرداخت، دولتمردان را به احترام به این حقوق وخواهد داشت. به تعبیری «اگر حکومت‌کنندگان تحت هیچ نظارتی از طرف انتخاب‌کنندگان‌شان نباشند خود انگاره آزادی هم از دست خواهد رفت و قدرت انتخاب نماینده چیزی نخواهد بود مگر قدرت موجود در یک عده که در فواصل معینی عده‌ای برای خودشان و بقیه جماعت ارباب انتخاب کنند» (پتی، ۱۳۸۸: ۵۳). از این رو برای اجتناب از چنین اتفاقی است که باید از آزادی‌های فردی صیانت نمود.^۱

آزادی‌های گروهی از جمله مهم‌ترین هنجار-سازوکارهای دست‌یابی به غایت صیانت از حق‌ها و آزادی‌های فردی هستند. از این منظر اهمیت آزادی‌های گروهی، با فراروی از سطح خود، وارد حمایت از حق‌ها و آزادی‌های فردی عمل به مثابه ابزاری برای صیانت از آن‌ها تلقی می‌شوند. «با این تحلیل این نکته روشن می‌شود که (حتی یک) جامعه مردم‌سالار نمی‌تواند بدون تضمین آزادی‌های

۱. به تعبیر ریچارد پرایس که ناشی از سنت اندیشه آزادی‌گرایانه آمریکایی است: هرچه آزادی‌های سیاسی مردم بیشتر باشد آزادی مدنی آنها محفوظ‌تر است.

گروهی، آزادی فردی را به معنای واقعی کلمه و به صورت فراگیر تضمین نماید» (دوفار، ۱۳۹۱: ۱۰). حق بر آزادی تجمع به طور مستقیم با حقوق فردی در ارتباط است و «تا حد زیادی وسعت و توسعه آزادی اندیشه و آزادی وجدان، مذهب و انجام علنی مناسک مذهبی یا اعتقادی در جامعه با دیگران به طور عمومی یا خصوصی را نشان می‌دهد» (178 Gomien, 2005: 178) و به نحوی بر تضمین توسعه و منع تضییق هریک از حقوق و آزادی‌ها تاثیرگذار است.

البته در این راستا باید توجه داشت که ایفای چنین کارکردی متأثر از دو امر پر اهمیت است. از یک سو، تحقق انتظار تضمین‌گری حقوق فردی از حق بر آزادی تجمع، منوط به آگاهی شهروندان در بستر زیست‌سیاسی- اجتماعی است که به طور خاص در شکل‌گیری و زمان و مکان‌یابی برگزاری تجمع خود را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، کارآمدی حداکثری استفاده از ابزار تجمعات مسالمت‌آمیز در گرو ارتقای مطالبات تجمع‌کنندگان توسط نخبگان شهروندان از سطح خواسته‌های عوامانه و اولیه به سوی خواسته‌های کارشناسی شده قرار دارد.^۱ این دو امر، در کنار ضرورت استمرار و آگاهی‌بخشی مضاعف در میان تجمع‌کنندگان و بهره‌گیری از ابزار مطلوب رسانه‌های آزاد و مستقل، بر حمایت‌گری حق بر آزادی تجمع از حقوق فردی خواهد موثر خواهد بود.

۲-۱-۱. مورد خاص آزادی بیان

حق بر آزادی تجمع مسالمت‌آمیز به ویژه با حق بر آزادی بیان در پیوندی ناگسستنی قرار دارد و خاصه به صیانت از آن افزون بر دیگر حق‌های فردی می‌پردازد. آزادی بیان، گونه‌ای از آزادی‌های فکری است که «تقریباً از طریق تمامی اسناد بین‌المللی، به عنوان حقی چندوجهی که شامل بیش از صرف آزادی بیان یا منتشر کردن اطلاعات یا اندیشه‌ها می‌شود شناسایی شده است. این حق شامل سه انتظار حق بر دنبال کردن، به دست آوردن و رسانیدن اطلاعات و ایده‌ها» (Commonwealth Secretariat, 2003: 9) است. این حق از زمره مهم‌ترین حق‌های مدنی و سیاسی در دموکراسی‌های امروزی تلقی می‌شود. به بیانی کلی، آزادی بیان به معنی آزادی ارتباط در قالب‌های شفاهی و مکتوب میان شهروندان است که بنیان جامعه مدنی و حوزه عمومی آزاد را تشکیل می‌دهد و مفهوم شهروندی بدون آن ناممکن است (تشکل اسلامی دانشجو ۱۳۷۹: ۱۴). از همین رو، برخی برآند

۱. ذکر مثالی از تاریخ ایران می‌تواند این امر را اثبات نماید، در آغاز نهضت مشروطه آنگاه که به علت سابقه طولانی نقض حقوق شهروندی در ایران، متحصنین در کنار برخی مفاهیم دیگر، «عدالتخانه» می‌خواستند، نخبگان با فرصت‌شناسی سطح مطالبات را از صرف عدالتخانه به مشروطه‌خواهی و قانون‌اساسی‌گرایی بالا بردند.

که آزادی بیان، مقوم و مبنای دولت و ملتی آزاد است (Sachar, 2004: 210). آنچه‌آن که در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه^۱ آمده است: «آزادی بیان افکار و عقاید گرامی‌ترین حق بشر است». اگرچه، معمولاً از آزادی بیان، تعبیر به آزادی در سخن می‌شود، اما «در یک تعریف موسع بیان از عمومیت نسبتاً زیادی در مقایسه با سخن گفتن برخوردار می‌باشد و عبارت از طریقه‌ای است که انسان‌ها به وسیله آن دیدگاه‌ها و یا به عبارت دیگر اندیشه خود را به دیگران منتقل می‌کنند» (زارعی و نجابت‌خواه، ۱۳۸۸: ۱-۳۲). این انتقال اندیشه، گاه در جلوه‌ای عملی از طریق برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز صورت می‌پذیرد: «آزادی تجمع در فرانسه ... یک ماه پیش از احیای آزادی مطبوعات ... دوباره به رسمیت شناخته شد. به این دلیل، اصطلاح بازسازی را بکار بردیم که حق شهروندان برای تجمع مسالمت‌آمیز پیش‌تر در قوانین اساسی سه‌گانه به رسمیت شناخته شده بود... تقارن زمانی میان بازشناسی آزادی تجمع و آزادی مطبوعات اتفاقی نیست. تجمع یکی از اشکال جمعی بیان است» (دوفار، ۱۳۹۰: ۲۹).

رویکرد شناخت حق بر آزادی تجمع به عنوان یکی از اشکال عملی و جمعی اعمال حق بر آزادی بیان در سامانه آمریکایی حقوق‌کامن‌لا نیز دارای پیشینه است. کنارهم قرار دادن حق بر آزادی تجمع در کنار حق بر آزادی بیان، مطبوعات و... در اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا نشان‌گر عمق ارتباط میان آن‌ها است. تعدد پرونده‌های مورد رسیدگی دیوان عالی فدرال آمریکا در مورد آزادی بیان و تجمع در خصوص موارد مختلف را باید موید این امر دانست. این کثرت که در کنار پرونده‌های مرتبط با برابری؛ بیشترین مصادیق مورد رسیدگی توسط دیوان یاد شده را دارند، مصادیق متعدد درگیر در ملازمه آزادی تجمع و بیان را در بر می‌گیرد. از پرونده‌هایی در مورد آزادی بیان، تجمع و بیان سمبلیک^۲ مثل پرونده (UNITED STATES vs. O'BRIEN) (Rotunda, 1997: 977-980) تا آزادی بیان و تجمع در مدارس مثل پرونده (Bethel school vs. Fraser Rotunda, 1997: 404-406) و حتی مذهب و آزادی بیان و تجمع (1111-1113: Rotunda, 1997) نیز مورد بررسی و تصمیم‌گیری قضایی قرار گرفته است که نشان‌گر ملازمه مستقیم میان دو حق اخیر است.

با وجود تلازم پیش‌گفته، آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز، در توانمندسازی حق بر آزادی بیان خصوصاً در فقدان رسانه‌های مستقل و آزاد موثر است. به علاوه، در صورت عسرت آزادی بیان

۱. ۶ اوت ۱۷۸۹.

۲. برای مثال آتش زدن پرچم کشور یا نماد مجموعه یا سازمانی نشانه بیان سمبلیک است.

فردی، بهره‌گیری از امکان جمعی و عملی بیان از طریق اعمال حق بر آزادی تجمع می‌تواند زمینه صیانت از حق افراد را فراهم آورد.

۲-۱. حمایت از آزادی‌های گروهی

علاوه بر حمایت از فرد و آزادی‌های فردی، صورت دیگر صیانت‌گری حق بر آزادی تجمع، حمایت از آزادی‌های گروهی است که می‌توان آن را در دو دسته سیاسی و غیرسیاسی مورد بررسی قرار داد.

۲-۱-۱. در عرصه سیاسی: اجتناب‌ناپذیر برای فعالیت احزاب و گروه‌ها

اگرچه دیگر انواع آزادی‌های گروهی همگی دارای جنبه سیاسی هستند و به نحوی می‌توان از آن‌ها به حق‌های سیاسی یاد کرد، اجلی مصداق عمیقاً سیاسی آزادی‌های گروهی، حق بر تحزب است. مذاقه در تعاریف حزب و تحزب می‌تواند به خوبی مبین رابطه حق بر آزادی تجمع و اهداف احزاب باشد.

در تعریف حزب به عنوان پاره‌ای از پیکر پیکار سیاسی گفته شده که حزب عبارت از «اجتماع گروهی از شهروندان است که آرمان مشترک و منافع ویژه‌شان آنان را از گروه بزرگ‌تری که جامعه ملی است مشخص می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و یاری مردم می‌کوشند که قدرت دولتی را در کشور به دست گیرند یا اینکه با این قدرت هم‌بازی گردند. برنامه و آرمان‌هایشان را به تحقق برسانند و در این راه از همه توانایی بویژه از ابزارهای قانونی یاری می‌گیرند» (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۱۲۵). در تعریفی دیگر، ماکس وبر^۱ «حزب را موسسه‌ای انتفاعی می‌داند که در زمان انتخابات به کسب قدرت و جلب آرای عمومی اقدام می‌کند و آن را یک دستگاه یا بنگاه سازمان‌یافته مبتنی بر قدرت و مترصد کسب قدرت می‌داند که بر اساس سلطه‌ای که ادعاهای اعمال آن را دارد تشکیل شده‌است» (بادامچیان، ۱۳۹۰: ۲۶). سیمور مارتین لیپست سرپرست دایره‌المعارف‌نویسان دموکراسی بر آن است که «حزب سیاسی عبارتست از گروه یا سازمانی که می‌کوشد نامزدهای مورد نظرش را با عنوان و هویت خاصی به قدرت برساند» (مارتین لیپست، ۱۳۸۳: ۶۰۲). دیدگاهی دیگر حزب را در مفهومی عام گردهمایی مردمی می‌داند که درباره برخی مسائل نظر مشترک دارند و

1. Max Weber.

می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک با هم کار کنند (عالم، ۱۳۸۶: ۳۴۳) که دارای کارویژه‌های خاصی نیز هستند. «مریام پنج کارویژه برای احزاب معین کرده است: الف- گزینش نامزدهای انتخاباتی؛ ب- تدوین سیاست‌های عمومی؛ پ- انتقاد از حکومت؛ ت- آموزش سیاسی؛ ث- واسطه بودن میان افراد ج- حکومت. مونرو نیز به همین نوع کارویژه‌ها اشاره کرده، افزون بر آنها از برقرار کردن مسئولیت سیاسی جمعی و مستمر هم نام برده است» (عالم، ۱۳۸۶: ۳۴۹). گفته می‌شود که «معمولا چهار ویژگی احزاب را از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد: نخست آن که احزاب از خلال کسب قدرت خواهان اعمال قدرت حکومتی می‌باشند...؛ دوم آنکه احزاب نهادهای سازمان‌یافته‌ای هستند که عضویت در آنها جنبه‌ای رسمی (دارد)...؛ سوم آنکه احزاب نوعا برنامه کاری گسترده‌ای را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند که ناظر به هریک از مسائل مربوط به خط مشی حکومت است...؛ چهارم آنکه عموما ولی به میزان متفاوت علائق و ترجیحات سیاسی مشترک و هویت مسلکی عام از عوامل وحدت درونی احزاب است» (هیوود، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

منظور از تشکیل احزاب و امکان گروه‌بندی سیاسی را باید کسب قدرت سیاسی، تغییر در صورت‌بندی قدرت و اقدامات مشابه تاثیرگذار بر سازوکارهای سیاسی حاکم بر جامعه دانست. از این‌رو، ملازمه‌ای ناگسستگی میان آزادی حزب و آزادی بیان وجود دارد. چرا که از مهم‌ترین فعالیت‌های احزاب اظهارنظر، انتقاد و یا اعتراض نسبت به نحوه اداره امور جامعه است که این موارد خود مستلزم بیان و اظهار عقاید و نظرات است. با تلازم آزادی تجمع با آزادی بیان، ارتباط حق بر تشکیل و فعالیت حزبی (حق بر حزب) با حق بر آزادی تجمع نیز برقرار می‌گردد.

افزون بر آن، مذاقه در عملکرد حزبی و سازوکارهای کنش‌گری آن نیز رابطه حق بر حزب و آزادی تجمع را نشان می‌دهد. توجه به عناصر قابل استخراج از تعاریف احزاب، مبین وجود "آرمان‌ها و اهداف مشترک" میان اعضا است که می‌تواند سبب استفاده از "تمامی ظرفیت‌ها و راهکارهای قانونی" از جمله حق بر آزادی تجمع برای دست‌یابی به آنها شود. سازمان‌یافتگی احزاب بعنوان یکی از عناصر عمده آنها نیز ایجادگر زمینه افزایش امکان بهره‌گیری از این ظرفیت، در جهت راهبری اعضا و هدایت عموم مردم به سوی تجمع مد نظر در راستای "عنصر انگیزشی" تجمع می‌گردد. بنابراین بهره‌گیری از حق بر آزادی تجمع از سوی احزاب بر عمق

۱. در رابطه با این مفهوم بنگ: قاسمی، آرین، (۱۳۹۲)، حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه

تأثیر عملکرد این نهادها افزوده و حتی در دفاع از موجودیت آن‌ها موثر و به عبارتی دقیق‌تر، از جمله لوازم کنش‌گری آن‌ها است.

علاوه بر احزاب، حق بر آزادی تجمع، در دستیابی به اهداف گروه‌های سیاسی غیرسازمان‌یافته، در اقلیت یا فاقد شخصیت حقوقی نیز موثر است. «حق بر آزادی تجمع، ابزار سیاسی مهمی برای کسانی است که احساس می‌کنند خواسته‌های آنان بوسیله حکومت مورد توجه جدی قرار نگرفته است. در یک مقیاس بزرگ‌تر، آزادی تجمع توسط اقلیت‌های مجزا یا به اصطلاح گروه‌های غیرمتشکلی که امکان سازمان‌دهی گروهی و ارائه نگرانی‌هایشان در محدوده یا مشعر بر سیاست را ندارند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. حق بر آزادی تجمع برای این افراد دموکراسی را افزون بر مقابله با بی‌یاوری و منفعل شدن، ملموس و مشروع می‌کند» (Woolman, 2001:1).

۲-۲-۱. در عرصه غیر سیاسی: لازمه آزادی‌های سازمان‌پیوندی

افزون بر عرصه سیاسی در حوزه احزاب، حق بر آزادی تجمع در عرصه اجتماعی در آزادی‌های سازمان‌پیوندی واجد وصف غیرسیاسی نیز موثر است. در این گستره، در سطح انجمن‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد، استفاده از حق بر آزادی تجمع می‌تواند در تحقق مطالبات آن‌ها و تأثیرگذاری این نهادها در عرصه اجتماعی خصوصاً جلب افکار عمومی موثر واقع شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر، حق تشکل‌های سازمان‌یافته اجتماعی در برگزاری تجمع را به رسمیت شناخته است.^۱ تاریخ ایالات متحده آمریکا نیز در چند برهه زمانی تحت تأثیر تجمعات نهادهای اجتماعی قرار گرفته است. «نخست» در سال‌های نزدیک به قرن هجدهم [میلادی] که [حق بر آزادی تجمع] نخستین امتحان خود را در جوامع جمهوری‌خواه-دموکراتیک پس داد. [دومین مورد ناشی از] تجمعات در دوران پیش از جنگ، [سومین مورد، در خصوص ایجاد] درک فدرال و ایالتی از تجمعات در سال‌های پس از جنگ داخلی، [چهارمین مورد، در خصوص] ادعای حق بر تجمع، توسط هواداران اعطا رای [به زنان] فعالان حقوق مدنی و سازمان‌های کار در دوره پیشرفت [و پنجمین مورد در] اوج‌گیری بحث‌ها در دوره میان دو جنگ جهانی» (Inazu, 2012: 20). رسیدگی به دعاوی متعدد در نظام حقوقی آمریکا در مورد حق بر آزادی تجمع در زمان جنبش‌های مدنی نشان‌گر شدت تأثیرگذاری این حق بر کنش‌گری

کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ص ۲۱.

1. Case of Djavit An v. Turkey, 2003 See: Gomien, Dona, Ibid, p.176.

نهادهای اجتماعی در عرصه عمومی است. نمونه‌های متعدد این دعاوی در نظام حقوق یاد شده قابل مشاهده است. «از دعوی BROWN v. BOARD در امر آموزش در سال ۱۹۵۴ تا داستان کنگره در مورد Rose Park، از تظاهرات در گرینزبرو در شمال کالیفرنیا تا Freedom Riders، از اقدام کنگره در برابری نژادی تا مدارس آزاد»^۱.

افزون بر دیگر نهادهای جامعه مدنی، حق بر آزادی تجمع می‌تواند به مثابه ابزاری برای چانه‌زنی جمعی و فشارآوری تشکل‌های کارگری به عنوان گونه‌ای خاص از تشکل‌های اجتماعی، در دست‌یابی به مطالبات صنفی تلقی شود. بدین ترتیب، «حق بر تهمید مقدمات یک تجمع عمومی از جمله برای اعتراضات یا تجمعات روز یکم می^۲ در حمایت از خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی پایه‌گذار یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اتحادیه‌های صنفی است» (International Labor Office, 1991: 18). تاکید سازمان بین‌المللی کار^۳ بر تشکل‌یابی و افزون بر آن، امکان تجمع کارگران^۴ در دست‌یابی به حقوق صنفی و تدوین استانداردهای بین‌المللی در این رابطه از سوی این نهاد^۵ و توصیه آن به کشورهای عضو موید همین امر است^۶.

بنابراین، حق بر آزادی تجمع می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در دست‌یابی به مطالبات

1. Rohde, Stephen F, (2005), Freedom of Assembly, InfoBase Publishing, United States of America, Introduction.

۲. روز جهانی کارگر.

3. International Labor Organization.

4. Freedom of Association and Protection of the Right to Organize Convention 1948, No 87: Convention concerning Freedom of Association and Protection of the Right to Organize (Entry into force: 04 Jul 1950) Adoption: San Francisco, 31st ILC session (09 Jul 1948)

Right to Organize and Collective Bargaining Convention, 1949 (No. 98): Convention concerning the Application of the Principles of the Right to Organize and to Bargain Collectively (Entry into force: 18 Jul 1951) Adoption: Geneva, 32nd ILC session (01 Jul 1949)

Workers' Representatives Convention, 1971 (No. 135): Convention concerning Protection and Facilities to be Afforded to Workers' Representatives in the Undertaking (Entry into force: 30 Jun 1973) Adoption: Geneva, 56th ILC session (23 Jun 1971)

به نقل از سایت سازمان بین‌المللی کار به آدرس:

<http://www.ilo.org/>

5. See: Tajgman, David and Curtis, Karen, (2000), Freedom of association: A user's guide, Publication of International Labor Office: Geneva.

۶. مطابق ماده ۲۲ «آیین‌نامه چگونگی تشکیل و حدود اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط» مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۶ هیات وزیران یکی از وظایف کانون‌های استانی عبارتست از همکاری با دستگاه‌های اجرایی و مراجع ذیربط به منظور حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به تشکل‌های کارگری از راه‌های مختلف از جمله برگزاری گردهمایی‌های مربوط، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تجمع کارگری در این سامانه حقوقی مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است اگرچه اهداف و سازوکارهای آن با آنچه در نظام بین‌المللی و کشورهای آزاد جهان معمول است، فاصله فراوان دارد، نمونه‌های متعددی از این تفاوت‌ها را می‌توان برشمرد از جمله بنگرید به: طاهری، محمد سلمان، (۱۳۸۸)، قانون کار در نظم حقوق کنونی، تهران: نشر میزان، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۱۸، ذیل ماده ۱۳۰.

نهادهای جامعه مدنی نقش ایفا کند. از این رو در هم‌افزایی متقابل این دو، گسترش نهادهای جامعه مدنی و تسهیل اعمال حق بر آزادی تجمع می‌تواند در تعمیق آزادی‌ها در نظام حقوقی-سیاسی تاثیرگذار باشد^۱.

۲. مشارکت‌افزایی: توسعه مشارکت در زندگی سیاسی اجتماعی

افزون بر مبنای صیانت‌گری، کارویژه دیگر حق بر آزادی تجمع را باید در زمینه‌سازی و توسعه مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی و اجتماعی جستجو کرد. در این راستا حق بر آزادی تجمع از یک سو از روش‌های مشارکت در تعیین سرنوشت است و از سوی دیگر در توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی تاثیرگذار است.

۲-۱. روشی برای مشارکت در تعیین سرنوشت

حق بر آزادی تجمع به عنوان سازوکاری ایجابی برای مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت و ابزاری برای مشارکت واکنشی آنان در مواجهه با قدرت دولت بکار می‌رود.

۲-۱-۱. سرنوشت اجتماعی

در نگرش مدرن حقوقی و سیاسی در اثر محوریت رویکرد انسان‌گرا و مبتنی بر احترام به حق بر تعیین سرنوشت - به عنوان یک حق بنیادین - قدرت، غیرشخصی و در اصالت متعلق به تمامی شهروندان است. اعمال این حق در دو گونه اعمال حاکمیت ملی و مردمی دو نوع راهکار متفاوت را در پیش گرفته است. از یک سو براساس نظریه حاکمیت ملی، حق بر تعیین سرنوشت، از طریق دموکراسی نمایندگی اعمال می‌شود که سازوکار دوره‌ای انتخاب نمایندگان در انواع انتخابات سیاسی و محلی نمود سنتی آن است. از سوی دیگر، براساس نظریه حاکمیت مردمی، اعمال آن از طریق دخالت مستقیم شهروندان صورت می‌پذیرد. اصالت تعلق قدرت سیاسی به شهروندان، ناشی از این حق بنیادین، مبین آن است که اعطای نمایندگی، نافی امکان و ضرورت نقش‌آفرینی مستقیم شهروندان در نظام حقوقی نیست. مشارکت در تعیین سرنوشت نیازمند کنش‌گری فعالانه شهروندان در عرصه حکومت است: لیبست در واکاوی افکار مایکل والستر، فیلسوف سیاسی، بیان

۱. بنگرید به: آتالی، ژاک، (۱۳۸۵)، *سازمان‌های غیردولتی سنگری در برابر پایان کار دنیا*، مندرج در مجموعه حق مردم در تعیین سرنوشت خود، گردآوری و ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، تهران: نشر آگه، ص ۱۵۵ به بعد.

می‌دارد که او معتقد است «در نظریه مبتنی بر آزادی‌خواهی (لیبرالیسم) دو مفهوم از شهروندی اهمیت دارند: یکی از این دو مفهوم از افکار جان لاک فیلسوف سده هفدهم انگلستان ناشی می‌شود و مفهوم دیگر را می‌توان از ارسطو تا سده چهارم پیش از میلاد و تاثران تراک روسو در سده هجدهم ردیابی کرد. ارسطو و روسو می‌گفتند شهروندان تنها در صورت شرکت فعال در حکومت می‌توانند توان انسانی و مدنی خویش را به نمایش بگذارند» (مارتین لیپست، ۱۳۸۳: ۱۶). چرا که «اداره امور هر جامعه در برگیرنده تمامی افراد آن جامعه و ایجاد حق و تکلیف برای همه آنها می‌باشد. اگر هدف اصلی اداره جامعه را استقرار نظم و امنیت و تامین عدالت برای همه افرادی بدانیم که در آن زندگی می‌کنند، به نظر می‌رسد که این نفع عمومی مبین اشتغال فکری و مستلزم مشارکت و مسئولیت همگان در زندگی مشترک و جمعی می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۰). مشارکت شهروندان در امر حکمرانی در دو جنبه ایجابی و سلبی رخ می‌نماید. مشارکت ایجابی، در قالب سازوکارهای رسمی نظیر قانون‌گذاری مستقیم^۱ یا تصمیم‌گیری مشارکتی در امور عمومی، در کشورهای نظیر ایالات متحده امریکا که براساس قوانین اداری^۲ امکان ریزنی جمعی برای پیشنهاد یا جلوگیری از اتخاذ تصمیم اداری و حتی فراتر از آن از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اداری^۳ و بالاتر، مقررات‌گذاری^۴ وجود دارد، انجام می‌گردد. در مقابل، مشارکت سلبی یا واکنشی، به مثابه ابزاری برای مقابله با شکست‌ها و نقصان ناشی از دموکراسی نمایندگی، از طریق واکنش سریع جامعه در قبال برون‌دادهای آن صورت می‌گیرد. نقصان و شکست ناشی از دموکراسی نمایندگی و امکان انحراف آن از مطالبات انتخاب‌کنندگان به مطالبات نمایندگان، همانطور که از دیرباز مورد توجه بوده است، امروز نیز دغدغه ناشی از این گونه دموکراسی‌هاست. همان‌گونه که الکسی دوتوکوییل «با طرح موضوع ارزش‌های حاکم

۱. نظیر اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. نظیر APA قانون جامعه اداری آن کشور در این رابطه بنگرید به:

هداوند، مهدی، (۱۳۸۹)، *حقوق اداری تطبیقی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۹۹ به بعد. به نظر می‌رسد که فقدان قانون جامعه اداری در ایران نقصان بزرگ نظام اداری و حقوق اداری است، بنگرید به: احمدوند، یاسر، (۱۳۹۰)، *عدالت اداری در حقوق ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ص ۱۴۲ به بعد و نیز هداوند، مهدی، (۱۳۸۶)، «ایده پیشنهاد تدوین قانون عام حقوق اداری ایران»، *نشریه حقوق عمومی*، شماره ۳، ص ۸۰.

۳. در رابطه با این مفهوم بنگرید به: طباطبایی موتمنی، منوچهر، (۱۳۹۰)، *حقوق اداری*، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت، ص ۵۰۸ به بعد.

۴. بنگرید به: هداوند، مهدی، (۱۳۸۶)، «درآمدی بر مقررات‌گذاری اقتصادی»، *مجلس و پژوهش*، شماره ۵۶، صص ۴۸-۷۴ و نیز هداوند، مهدی، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر مقررات‌گذاری اجتماعی»، *نشریه حقوق عمومی*، شماره ۲، صص ۴۸-۶۳ و نیز زارعی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۱۱۲ به بعد.

سعی بر آن [داشت] تا نشان دهد اگر گروه خاصی بر جامعه حاکم شوند هر چند با رای مردم و قبول آنان بر سر کار آمده [باشند] اما در نهایت این ارزش‌های خاص آنان است که بر جامعه حاکم می‌شود [و] به عنوان یک معیار اخلاقی ملاک نظر قرار می‌گیرد» (لیبی، ۱۳۸۸: ۱۶۲)، فرید زکریا نیز با بیان اینکه «هنگامی که یک سیاستمدار سوالی دارد و می‌گوید: مردم امریکا می‌خواهند بدانند، در واقع آن سیاستمدار و احتمالاً فقط آن سیاستمدار است که می‌خواهد بدانند» (زکریا، ۱۳۸۵: ۲۳)، در تلاش برای نشان دادن این نقصان است. مشارکت واکنشی به انحراف در دموکراسی نمایندگی، از طریق سازوکارهای موجود در نظام حقوقی از جمله حق بر آزادی تجمع امکان‌پذیر است. تجمع نیروهای همسو از طریق ایجاد یک جنبش اجتماعی تعریفی یا اعتراضی و بهره‌گیری از ظرفیت ایجاد تجمع را می‌توان از نمونه‌های چنین مشارکت واکنشی ارزیابی کرد. با گذر از نسل‌های اول و دوم جنبش‌های اجتماعی، آزادی تجمع به مثابه ابزاری در دست جنبش‌های اجتماعی نسل سوم نقش‌آفرینی می‌نماید و در هنگامی که «سازوکارهای دموکراتیک پارلمانی مانند نظام حزبی و انتخاباتی به عنوان شرط لازم برای تغییرات و مشارکت سیاسی و اجتماعی فرض می‌شود ولی [نقش] شرط کافی» (رستگار، ۱۳۸۴: ۱۳) را ایفا نمی‌کند، راهکار دخالت شهروندان در مشارکت در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورد. این امر «به خصوص در دموکراسی‌های با بنیان سست [خود را نشان می‌دهد زیرا این دست دموکراسی‌ها] به بیش از حضور دوره‌ای «مردم» در انتخابات نیازمندند و حق بر آزادی تجمع می‌تواند نقش مهمی در این میان بازی کند»^۱. به علاوه، این حق زمینه حرکت به سوی دموکراسی مشارکتی را که در آنها «شهروندان در مقایسه با دموکراسی‌های معمولی نقش فعال‌تری در فرآیند تصمیم‌گیری خود ایفا می‌کنند» (لیبی، ۱۳۸۸: ۳۲۱)، موجب می‌شود.

۲-۱-۲. مقابله با قدرت دولت

از سوی دیگر، حق بر آزادی تجمع به مثابه ابزاری واکنشی برای مقاومت در برابر قدرت دولت نیز بکار می‌رود. در نگرش مبتنی بر حقوق طبیعی، «در روابط بین افراد و دولت، اصول حقوق طبیعی همواره به عنوان ابزار مقاومت در مقابل دولت تلقی شده‌است» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۱). مقاومت در برابر قدرت دولت، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بسیاری از اسناد حقوق بشری نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در میان اسناد کلاسیک، اعلامیه حقوق بشر و شهروند

1. Conference Report: Peaceful Protest: Cornerstone of Democracy, available at: <https://www.wiltonpark.org.uk/conference/wp1154/>.

فرانسه^۱، در ماده دو، هدف هر اجتماع سیاسی را حفظ حقوق طبیعی و فناپذیر بشر از جمله مقاومت در برابر تعدی می‌داند. در راستای همین سنت ناشی از انقلاب فرانسه، قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ مقرر می‌داشت، حق مقاومت در برابر ستم، نتیجه سایر حقوق انسان‌ها است. بر اساس ماده ۳۵ آن قانون، «هنگامی که حکومت حق مردم را مورد تجاوز قرار می‌دهد شورش برای مردم یا هر بخشی از آنان از مقدس‌ترین حقوق و واجب‌ترین تکالیف است». در میان اسناد جهان‌شمول ناشی از نهضت جهانی حقوق بشر، دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر، با تأکید بر آن که، «حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نشود»، بطور ضمنی، «حق مقاومت فرد در برابر بی‌عدالتی را به عنوان حقی ذاتی و فراقانونی مورد شناسایی قرار داده‌است» (کیوانفر، ۱۳۸۵: ۲۱۷). به تبع اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در ماده ۴، محدودیت‌های ناشی از قوانین را در حدودی که «با ماهیت حقوق اساسی پیش‌بینی شده در میثاق سازگار باشد و... منحصرأ به منظور توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک وضع شده باشند قابل پذیرش» می‌داند. نتیجه رویکرد اخیر در میثاق یاد شده، آن است که «از نظر امضاکنندگان این میثاق نیز، مطلقاً قانون صرف نظر از محتوای آن محترم نیست» (کیوانفر، ۱۳۸۵: ۲۱۸). میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز «آشکارا قوانین موضوعه در جوامع غیردموکراتیک را محترم نمی‌شمارد» (کیوانفر، ۱۳۸۵: ۲۱۹). بنابراین حق مقاومت در برابر قانون، به عنوان روی دیگر سکه حاکمیت قانون، برای شهروندان مورد اذعان قرار گرفته است.

برای اعمال این حق، سلسله سازوکارهایی در سامانه‌های حقوق لحاظ شده است تا اگر «دولت برای اجرای نیات خود نیروی پلیس، سلاح، قوای نظامی و... در اختیار دارد در برابر، مردم نیز قدرتی داشته باشند تا بتوانند در صورت لزوم اعتراض خود را نشان دهند» (رحیمی، ۱۳۴۷: ۲۴۳). «گرد دنینگ رئیس دیوان استیناف [انگلستان] در بیان آزادی تجمع ... خاطر نشان می‌کرد که این «حق» یکی از ارزنده‌ترین آزادی‌های قرن بیستم است. او [می‌آگفت اگر مردم می‌خواهند قادر باشند که زنجیرهای جبر و تضییق غلامی را بگسلند باید آزاد باشند که یکدیگر را ملاقات کنند نارضایتی‌های خود را بررسی نمایند و مشترکاً نقشه اقدام و عمل را برای سامان دادن به کارهای خود طرح نمایند» (متین‌دفتری، ۱۳۴۸: ۱۴۲). از همین رو، حق بر آزادی تجمع، در

مجرای نظریه‌های مقاومت دفاعی و تعرضی^۱ در برابر قدرت دولت، برای تمامی شهروندان موثر جلوه گر می‌شود.^۲ حق یاد شده، خصوصاً، به مثابه ابزاری ایجابی^۳ در دست گروه‌های اقلیت برای مقاومت عاری از خشونت (کیوانفر، ۱۳۸۵: ۲۴۵) در مقابل قانون خلاف وجدان عمومی، حتی در نظام‌های دموکراتیک دانست. چرا که «در جایی که دموکراسی وجود دارد باز هم صیانت افراد و اقلیت‌ها در مقابل زور ضروری است» (خلیل‌الله مقدم، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

۲-۲. زمینه‌سازی توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی

حق بر آزادی تجمع می‌تواند زمینه‌ساز توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی باشد.

۲-۲-۱. توسعه سیاسی

«توسعه سیاسی در برگیرنده رهیافت‌ها و الگوهای متفاوتی است که بویژه بعد از جنگ جهانی دوم و عموماً به وسیله محققان غربی و اروپایی برای جبران عقب‌ماندگی کشورهای غالباً جهان سومی طراحی شده است» (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۹). این مفهوم، عبارتست «از فرآیند رو به افزایش ظرفیت نهادهای سیاسی اعم از سازمان‌های حکومتی و سازمان‌های سیاسی غیرحکومتی به منظور پاسخ‌گویی به درون‌داده‌های نظام سیاسی که تامین تقاضاهای جدید و مشارکت گسترده مردم را در فرایند سیاست در بر می‌گیرد» (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۲۳). با گسترش مفهوم توسعه سیاسی، وقوع اختلاف در مورد تعریف آن منجر به ایجاد انتظارات متفاوت از این مفهوم گردیده است. از جمله انتظارات یاد شده، باید به تحقق دموکراسی اشاره نمود (بدیع، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳).

بر خلاف نظریات کمیت‌گرای توسعه، ادوارد شینر معتقد است تمام دولت‌های در حال پیشرفت هدف مشترکی دارند و آن متجدد شدن یا پویایی، دموکراسی و مساوات‌طلبی است. در دولت‌های یاد شده، تفوق قوانین مدنی، عملکرد نهادهای نمایندگی و اعمال بدون محدودیت

۱. بنگ: هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۸۲ و نیز طباطبایی موتنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۲۶-۲۷.

۲. دیده شده است در برخی از کتب از آزادی‌های گروهی به عنوان آزادی‌هایی که وسیله مقاومت در برابر تجاوز دولت را فراهم می‌آورند تعبیر شده است. بنگ: رحیمی، مصطفی (۱۳۴۷)، *قانون اساسی ایران و اصول دموکراتیک*، تهران: ابن سینا، ص ۲۳۸.

۳. در مقابل راهکارهای سلبی مانند عدم پرداخت قبوض، مالیات یا تاخیر در پرداخت آن‌ها.

آزادی‌های سیاسی به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گرفته است (بدیع، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹). حصول به توسعه سیاسی، فرآیندی تدریجی و مسالمت‌آمیز است. بنابراین، «اگر وقوع تغییرات با خشونت و انقلاب همراه باشد توسعه سیاسی نام ندارد» (خاکی فیروز، ۱۳۷۸: ۱۰). توسعه سیاسی، متضمن مشارکت گسترده مردم در امر سیاسی، تلاش برای تحقق دموکراسی و اعمال بدون محدودیت آزادی‌های سیاسی، از طریق فرآیندهای مسالمت‌آمیز است.

آن‌چنان که در بندهای قبل بیان شد، حق بر آزادی تجمع، به عنوان یکی از ابزارهای مشارکت سیاسی شهروندان جلوه‌گر می‌شود و بدین ترتیب از آنجا که یکی از «ابعاد توسعه سیاسی نیز مشارکت سیاسی می‌باشد» (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۰)، می‌تواند به فرآیند توسعه سیاسی کمک نماید. خصوصاً، یکی شاخصه‌های مثبت توسعه سیاسی، «سیاسی شدن یا مشارکت بیشتر و بیشتر مردم در روندهای سیاسی» و «مشارکت مردم در هیات‌های تصمیم‌گیری» (عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۷) است که حق یاد شده می‌تواند زمینه‌ساز نیل به این شاخصه باشد.

به علاوه، با تلقی گسترش «دموکراسی با تمام لوازم آن» (حجاریان، ۱۳۷۱: ۴۱) به عنوان یکی از معیارهای توسعه سیاسی، با اثبات آنکه حق بر آزادی تجمع ابزاری در دست جنبش‌های اجتماعی است، توجه به تطور تاریخی اقدام جنبش‌های اجتماعی، نشان‌گر تاثیر این جنبش‌ها در تحقق دموکراسی است. نمونه تاریخی این امر، در اروپای غربی و امریکا قابل مشاهده است. در این قلمرو جغرافیایی، دموکراسی‌های نوین در ابتدا به شکل جنبش اجتماعی زمینه یافته‌اند و بعدها در دهه ۶۰ میلادی جنبش‌های این دهه نیز در نیل به سوی دموکراسی، ایفای نقش نموده‌اند.^۱ در موردی دیگر، در مصر حق بر آزادی تجمع به عنوان ابزاری در دست جنبش اجتماعی اعتراضی شهروندان مصری، به شکست انسداده دیرپای نظام سیاسی^۲ و تغییر قانون اساسی به سوی توسعه سیاسی منجر شد.

۲-۲-۲. گسترش دموکراسی

«امروز فرض عمومی بر این است که همه آرمان‌ها و آمال غایی انسان که ندرتا در یک جا گردد هم می‌آیند، از جمله نظم و امنیت، حکومت قانون، آزادی، برابری، رعایت حقوق فردی،

۱. بنگک: لیست، سیمور مارتین، (زیر نظر) (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، جلد دوم، چاپ نخست، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۵۴۷.

۲. حسنی مبارک از ۱۴ اکتبر ۱۹۸۱ لغایت ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ طی چهار دوره متممادی در انتخابات بدون حضور رقیب جدی و واقعی رئیس‌جمهور مصر بود.

پاسداری از مصلحت عمومی، عدالت، شادی، رفاه، پراکندگی قدرت ... در حد امکان تنها در سایه نظام‌های مردم‌سالار تحقق پذیرند» (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۳). در این میان، تامین حقوق و آزادی‌ها و همچنین برابری را باید مهم‌ترین بنیان‌های نظام‌های واقعا دموکراتیک دانست که تضمین آن‌ها خصوصا حقوق و آزادی‌های شهروندان، در دیگر اشکال نظام‌های سیاسی با صعوبت جدی مواجه است. «دموکراسی تنها شکل حکومت است که آزادی‌های فردی را تامین و ... حقوق شهروندان را تضمین می‌کند. *جان استوارت میل*، بر همین پایه از دموکراسی جانبداری کرد ... دموکراسی، فرد را ارزشمند می‌شناسد و او را مطمئن می‌کند که فرصت مشارکت در رشد جامعه را خواهد داشت» (عالم، ۱۳۸۶: ۳۰۱).

جایگاه محوری حقوق و آزادی‌های شهروندان در نظام‌های دموکراتیک تا حدی است که می‌توان قائل بود، «دموکراسی، اساسا مبتنی بر شناسایی مجموعه‌ای از حقوق مدنی برای شهروندان است» (تشکل اسلامی دانشجو، ۱۳۷۹: ۹). از جمله حقوق شهروندان در نظام‌های دموکراتیک، آزادی‌های گروهی هستند. «تشکیل انجمن‌ها، اجتماعات، دستجات و تظاهرات، به منظور اعمال فشار بر حکومت برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات، یا به منظور اعلام مخالفت با سیاست‌های حکومت یکی از حقوق و آزادی‌های مدنی اساسی در دموکراسی‌ها به شمار می‌رود» (تشکل اسلامی دانشجو، ۱۳۷۹: ۹).

حق بر آزادی تجمع، از یک سو، «مرتبط با یا توجیه شده بوسیله معیارهای یک جامعه دموکراتیک» (Gomien, 2005: 117) و از «مظاهر بارز دموکراسی است، که مردم به وسیله آن با حضور مستقیم خود در صحنه، اداره امور جامعه را تحت تاثیر بیان توقعات جمعی قرار می‌دهند» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۲۰). خصوصا، تضمین شدگی حق بر آزادی تجمع و تسهیل اعمال آن ارتباط مستقیمی با میزان تساهل و تسامح و چندگانگی سیاسی به عنوان یکی از مبنایی‌ترین ویژگی‌های دموکراسی‌های نوین دارد. از سوی دیگر؛ «تجمع اعتراضی می‌تواند درمان نقص‌های یک سیستم دموکراسی [هم] باشد»^۱.

گی / زمه معتقد است، «در هیچ جای جهان برآستی یک قدرت مردمی فعال که توده شهروندان قدرت را روزانه و مستقیما در دست داشته باشند وجود ندارد ... دموکراسی چهره ساختاری نمادینی گرفته که البته حاکمیتی انتزاعی در مجموع به مردم نسبت داده می‌شود و فرض

1. Conference report: Peaceful protest: Cornerstone of Democracy available at: <https://www.wiltonpark.org.uk/conference/wp1154/>.

بر این است که قدرت به نام و سود آن‌ها اعمال می‌گردد، اما اعمال قدرت واقعی و مشخص در اختیار فرمانروایی است که برگزیده‌اند» (به نقل از وحیدی‌منش، ۱۳۸۴: ۱۹). نقصان دموکراسی نمایندگی، زمینه انحراف در این نوع دموکراسی‌ها از اعمال حق بر تعیین سرنوشت و تأمین مطالبات شهروندان به صرف گزینشگری حکمرانان در انتخابات را فراهم آورده است. به تعبیری دیگر، «در لیبرال دموکراسی‌های مدرن، دموکراسی در نگاه نخست، اغلب به عنوان فرصتی برای شهروندان به منظور انتخابات آزادانه حاکمان در مقاطع گوناگون و نه اتخاذ تصمیمات حکومتی برای شهروندان به حساب می‌آید» (وحیدی‌منش، ۱۳۸۴: ۴۱). چنین انحرافی، سبب‌ساز نیاز به تعریف سازوکارهای حقوقی لازم برای بازتعریف "مطلوب‌های" شهروندان گردیده است. از جمله چنین سازوکارهایی را می‌توان در آزادی‌های گروهی خصوصاً حق بر آزادی تجمع دانست. از همین رو، «ارتباط مسقیمی بین حق بر آزادی تجمع و آزادی بیان و حق شهروندان در جمع شدن [شان با] یکدیگر با هدف بیان ایده‌هایشان وجود دارد. حق بر اعتراض سیاسی دارای اهمیت بسیاری در یک فرایند دموکراتیک است. [این حق] فوری‌ترین و مستقیم‌ترین راهی را که مردم می‌توانند نگرانی‌هایشان را بیان کنند، بازارانه^۱ می‌دهد» (Branet, 2010: 175). استفاده از راهکار در دسترس و مستقیم یاد شده «نه تنها برای شهروندان امکان فعالیت سیاسی در سطحی بسیار بالاتر از سطح حداقلی رای دادن فراهم می‌آورد، بلکه اگر بخواهند موثر عمل کنند باید این کار را انجام دهند» (بیتام، ۱۳۸۹: ۷۵) و بدین ترتیب با "بیان عملی"، "مستقیم" و "جمعی" مطلوب‌اتشان زمینه اصلاح در دموکراسی نمایندگی و به عبارت دیگر "تعمیق دموکراسی" فراهم آید.

علاوه بر "تعمیق دموکراسی"، حق بر آزاد تجمع در "توسعه دموکراسی" نیز نقش‌آفرین است. «توسعه دموکراسی زمانی رخ می‌دهد که مجموعه‌ای تغییرات [در رژیم حاکم، در فاصله زمانی کوتاه و در گروهی کشورهای محدوده‌ای جغرافیایی رخ دهد» (مارتین لیست، ۱۳۸۳: ۵۰۶). در وقوع توسعه سیاسی عوامل متعددی می‌توانند موثر باشند که سه عامل اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و دینی تأثیرگذارترین جایگاه را دارند. برای مثال، عامل اقتصادی، در تمامی ادوار تاریخی، تأثیرگذاری خود را نشان داده است. این تأثیرگذاری، از دیرباز، در دموکراسی‌های قدیمی اروپای شمالی تا ادواری که طبقه متوسط شهری با اطمینان خاطر از جایگاه اقتصادی، دست به ایجاد جامعه مدنی و نهادهای واسط اجتماعی زد، قابل مشاهده است. خودپسندگی

اقتصادی طبقه متوسط و ایجاد جامعه مدنی در آن برهه تاریخی، منجر به محدودسازی قدرت دولت‌ها شد. این محدودسازی در گرایش دولت‌ها به سوی رعایت "حقوق و آزادی‌های عمومی" و "حاکمیت قانون"، دو مفهوم اساسی دموکراسی کمک نمودند (لیپسیت، ۱۳۸۳: مقدمه). با وجود تاثیرگذاری جدی عوامل یاد شده، نقش عوامل فرهنگی در ترویج دموکراسی را باید محوری دانست. ارتقای فرهنگ دموکراتیک به مثابه زیرساخت توسعه دموکراسی، تلازم با افزایش آگاهی عمومی، مدارا، تحمل و رواداری دارد. احترام متقابل دولت و شهروندان نسبت به بروندهای اقدامات و آگاهی از نهادها نیز در این فرآیند موثر است.

حق بر آزادی تجمع، می‌تواند به نحوی در تمامی عوامل پرتاثیر در گذار به "توسعه دموکراسی" ایفای نقش کند. در عامل سیاسی، حق یاد شده، زمینه توسعه و مشارکت سیاسی را فراهم می‌آورد. در عامل فرهنگی، این حق می‌تواند به "افزایش آگاهی شهروندان" منجر شود. چنین افزایشی، در سه حوزه صورت می‌پذیرد. حوزه نخست، آگاهی شهروندان از سازوکارها، نهادها یا اهرم‌های قدرت موجود در جامعه برای نیل به مقاصد عمومی است. «شهروندی فعال برای آن که موثر و کارا باشد نه تنها به اراده و مهارت بل به اندکی شناخت از نهادها «نیاز دارد»... شناختی عملی از اینکه کدام اهرم‌های قدرت با کدام مقاصد خاص مناسبت دارند نیاز دارد» (کریک، ۱۳۸۷: ۱۵۹). بعلاوه، بروز تجمعات اعتراضی، به افزایش آگاهی تجمع‌کنندگان از طریق تبادل داده‌ها در تجمع منجر می‌شود. از سوی دیگر، وقوع تجمع، "دغدغه‌های مشترک" تجمع‌کنندگان و "موجب" آن را در معرض دید و آگاهی دیگر شهروندان قرار می‌دهد. افزون بر آن، این حق، به افزایش روحیه دموکراتیک و تعمیق رواداری و تساهل، به عنوان یکی از بنیان‌های جوامع دموکراتیک نیز کمک می‌نماید.

اعمال حق بر آزادی تجمع، در سال‌های اخیر در کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، منجر به تحول در نظام‌های سیاسی حاکم و گذار از "دموکراسی‌های ظاهری" گردیده است. تجمعات اعتراضی در تونس، مصر، لیبی، یمن و بسیاری دیگر کشورهای این حوزه زمینه نیل به "توسعه دموکراسی" در "دوره زمانی کوتاهی" در "کشورهای منطقه جغرافیایی" خاص را فراهم آورده است.

نتیجه‌گیری

سرکوبی اراده فردی نسبت به اراده جمعی شهروندان به مراتب برای دولت‌ها آسان‌تر است. از

همین رو در تطور تاریخی مواجه این دو، به مرور دسته‌ای از سازوکارهای جمعی شکل گرفته‌اند تا از طریق اعمال اراده جمعی با فشارآوری به دولت‌ها امکان صیانت از حقوق شهروندان را فراهم می‌آورند. چنین هنجار-سازوکارهایی که از آن‌ها به آزادی‌های گروهی تعبیر می‌گردد، بطور عام و یکی از انواع آن یعنی حق بر آزادی تجمع به طور خاص، می‌تواند سبب صیانت از آزادی‌های گروهی و حقوق فردی شوند.

صیانت‌گری حق بر آزادی تجمع از تمامی انواع حقوق فردی، تابع منطق اخیر است. حق یاد شده، بطور خاص بر آزادی بیان به عنوان یکی از آزادی‌های بنیادین فردی که مبنای یک دولت و ملت آزاد و گرامی‌ترین حق بشر است، تاثیر بسزایی دارد. حق اخیر به عنوان یکی از اشکال "جمعی" و "عملی" بیان، در زمان عسرت دیگر اشکال آزادی بیان می‌تواند زمینه گسترش و امکان اعمال آن را فراهم آورد.

افزون بر حقوق فردی، حق بر آزادی تجمع در صیانت از آزادی‌های گروهی نیز موثر است. این تاثیرگذاری هم در عرصه آزادی‌های گروهی نهادی سیاسی یعنی فعالیت احزاب خود را نشان می‌دهد و هم در مورد گونه‌های اجتماعی آن، مجال تاثیر دارد. از این رو حق یاد شده می‌تواند ابزاری برای "بهره‌مندی بهتر" و "کارایی بیشتر" فعالیت در عرصه آزادی‌های سازمان‌پیوندی باشد تا از این طریق اینگونه آزادی‌ها نیز مورد صیانت قرار گیرند. استفاده تشکلی‌ها (اعم از سیاسی و غیرسیاسی) از حق بر آزادی تجمع در نیل به اهداف مورد نظر، زمینه‌ساز افزایش توان چانه‌زنی این گونه نهادهای جامعه مدنی با دولت‌ها و همراه‌سازی اجتماع با خود را می‌گردد.

بنابراین نخستین مبنای حق بر آزادی تجمع، در "صیانت‌محوری" از حقوق فردی و آزادی‌های گروهی قابل ارزیابی است.

حق بر آزادی تجمع در مشارکت شهروندان در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی نیز موثر است. از یک سو، یکی از راه‌های تعیین سرنوشت است و از سوی دیگر، ابزاری برای توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی به حساب می‌آید. در سویه زمینه‌سازی مشارکت در تعیین سرنوشت، حق یاد شده، موجد امکان تعیین سرنوشت اجتماعی و مقابله با قدرت دولت است. این حق، در بعد ایجاد امکان تعیین سرنوشت اجتماعی، به شکل واکنشی، زمینه ساز نقش‌آفرینی شهروندان بصورت "غیر ادواری" در عرصه امور عمومی است. چنین کارکردی، ایفاگر نقش تکامل‌بخش دموکراسی نمایندگی و موجب مواجهه با انحراف از مطالبات "اصیل" توسط "نماینده" می‌گردد. علاوه بر این، حق بر آزادی تجمع، در مقابله با قدرت دولت نیز ابزاری کارآ

به حساب می‌آید. بهره‌گیری از چنین سازوکاری امکان مقابله با خواست و اراده مغایر با وجدان و مطالبه اجتماعی قدرت دولت را فراهم می‌آورد.

در سپهر مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی، علاوه بر مشارکت واکنشی، حق بر آزادی تجمع به شکل کنشی در توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی نیز موثر است. در منظومه فکری توسعه سیاسی، نیل به سوی گسترش مشارکت مردم و تحقق دموکراسی، از معیارهای بنیادین به حساب می‌آیند. تاثیرگذاری حق بر آزادی تجمع در مشارکت کنشی و واکنشی زمینه‌ساز گسترش مشارکت مردم در نظام سیاسی به حساب می‌آید. این حق، با تاثیرگذاری در صیانت از آزادی‌های شهروندان، معیار دیگر مطمح نظر توسعه سیاسی، یعنی اعمال بدون محدودیت آزادی‌ها را نیز تامین می‌نماید.

در جنبه دیگر مشارکت کنشی، حق بر آزادی تجمع در گسترش دموکراسی نقش‌آفرین است. چنین ایفای نقشی از حق یاد شده هم در تعمیق دموکراسی و هم در توسعه آن قابل ردیابی است. حق یاد شده، با تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، جبران خلاهای ناشی از دموکراسی نمایندگی، افزایش مداراگرایی و ترویج روادمداری در تعمیق دموکراسی در نظام‌های حقوقی - سیاسی موثر محسوب می‌شود. افزون بر آن، حق بر آزادی تجمع، با تاثیرگذاری بر تمامی مولفه‌های توسعه سیاسی، در برهه زمانی و جغرافیایی معین می‌تواند بر توسعه دموکراسی بیافزاید. کارکرد اخیر در سلسله تجمعات اعتراضی منجر به سقوط نظام‌های غیردموکراتیک در جریان بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا قابل مشاهده است.

تغییر توازن قدرت به سوی بسط ید شهروندان از تمامی بنیان‌ها و کارکردهای حق بر آزادی تجمع در مواجهه با دولت‌ها قابل ردیابی است. ثمره چنین امری امکان تاثیرگذاری حق یاد شده در مناسبات میان دولت و شهروندان در بستر جامعه سیاسی است. بدین ترتیب حق بر آزادی تجمع، از طریق اعمال فشار (اجتماعی) بر حاکمیت در مناسبات میان این دو موثر است. بنابراین اعمال هرگونه محدودیت غیردموکراتیک بر حق یاد شده به نحوی که مغایر بنیان‌ها و کارکردهای آن باشد محروم ساختن شهروندان از یکی از حقوق‌شان است.

منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

- احمدوند، یاسر، (۱۳۹۰)، *عدالت‌اداری در حقوق ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- اسلامی، رضا و کمال‌وند، محمد مهدی، (۱۳۹۴)، *آزادی اجتماعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر و سیستم حقوقی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- آتالی، ژاک، (۱۳۸۵)، «سازمان‌های غیر دولتی سنگری در برابر پایان کار دنیا»، مندرج در مجموعه *حقی مردم در تعیین سرنوشت خود*، گردآوری و ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- بادامچیان، اسدالله، (۱۳۹۰)، *تحزب و تشکل*، چاپ دوم، تهران: اندیشه ناب.
- بدیع، برتراند، (۱۳۸۷)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب زاده، چاپ پنجم، تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۷)، *گذار به مردم‌سالاری*، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بوشهری، جعفر، (۱۳۵۵)، *حقوق اساسی*، جلد اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- بیتام، دیوید، (۱۳۸۹)، *دموکراسی و حقوق بشر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- پتی، فیلیپ، (۱۳۸۸)، *جمهوری‌خواهی نظریه‌ای در آزادی و حکومت*، ترجمه فرهاد مجلسی - پور، چاپ اول، تهران: پردیس دانش.
- تاموشات، کریستیان، (۱۳۹۱)، *حقوق بشر*، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- تشکل اسلامی دانشجو، (۱۳۷۹)، *دموکراسی برای همه*، چاپ اول، تهران: انتشارات زعیم.
- خاکی‌فیروز، مهدی، (گردآورنده) (۱۳۷۸)، *توسعه سیاسی (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- خلیل‌الله مقدم، احمد، (۱۳۷۸)، *مبانی اندیشه‌های سیاسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات تهران - دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۷۸)، *مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی (۲) تحزب در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات همشهری.
- دوفار، ژان، (۱۳۹۱)، *آزادی‌های گروهی*، ترجمه علی‌اکبر گرجی‌ازندریانی، چاپ اول،

تهران: انتشارات مجد.

- رحیمی، مصطفی، (۱۳۴۷)، *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی*، تهران: ابن سینا.
- زارعی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری*، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- زکریا، فرید، (۱۳۸۵)، *آینده آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی*، ترجمه امیرحسین نوروزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- طاهری، محمد سلمان، (۱۳۸۸)، *قانون کار در نظم حقوق کنونی*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۹۰)، *حقوق اداری*، چاپ شانزدهم، تهران: سمت.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۶)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی.
- عباسی، بیژن، (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق اساسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- عباسی، بیژن، (۱۳۹۵)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- قاسم زاده، قاسم، (۱۳۹۰)، *حقوق اساسی*، با تصحیح و تحشیه علی اکبر گرجی‌ازندریانی، چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- کریک، برنارد، (۱۳۸۷)، *دموکراسی*، ترجمه پویا ایمانی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- کیوانفر، شهرام، «مقاومت در برابر قانون»، مندرج در مجموعه *حکومت قانون و جامعه مدنی*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- گرجی‌ازندریانی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، *مبانی حقوق عمومی*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- لیبی، محمد مهدی، (۱۳۸۸)، *لیبرال دموکراسی*، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- لیست، سیمور مارتین، (زیر نظر) (۱۳۸۳)، *دائرة المعارف دموکراسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- متین دفتری، احمد، (۱۳۴۸)، *حقوق بشر و حمایت بین المللی از آن*، تهران: چاپخانه بهمن.
- وحیدی‌منش، حمزه‌علی، (۱۳۸۴)، *مقایسه مبانی مردم‌سالاری دینی و دموکراسی لیبرالی*، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.

- هداوند، مهدی، (۱۳۸۹)، *حقوق اداری تطبیقی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- هیوود، اندرو، (۱۳۸۷)، *کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی*، ترجمه اردشیر امیرارجمند و سیدباسم موالی‌زاده، چاپ اول تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

- «طرح پژوهشی توسعه سیاسی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره سوم.
- حجاریان، سعید، (۱۳۷۱)، «تلقی آکادمیک از توسعه سیاسی»، *نشریه راهبرد*، شماره اول.
- رستگار، اشکان، (۱۳۸۴)، *جنبش‌های اجتماعی در ایران در بستر نقض حقوق عمومی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- زارعی، محمدحسین و نجابت خواه، مرتضی، (۱۳۸۸)، «آزادی بیان»، *نشریه حقوق اساسی*، سال ششم، شماره ۱۱.
- عبداللهی، محمد و راد، فیروز، (۱۳۸۸)، «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۱.
- قاسمی، آرین، (۱۳۹۲)، *حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- هداوند، مهدی، (۱۳۸۶)، «ایده پیشنهاد تدوین قانون عام حقوق اداری ایران»، *نشریه حقوق عمومی*، شماره ۳.
- هداوند، مهدی، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر مقررات‌گذاری اجتماعی»، *نشریه حقوق عمومی*، شماره دوم.
- منصوری، میلاد و امجدی، سجاد، (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر محدودیت‌های برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز»، اولین کنفرانس پدافند غیرعامل در علوم انسانی علوم اجتماعی اقتصاد مدیریت و توسعه.
- خلخالی، فرید، (۱۳۸۳)، «نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره سوم.
- هداوند، مهدی، (۱۳۸۶)، «درآمدی بر مقررات‌گذاری اقتصادی»، *مجلس و پژوهش*، شماره ۵۶.

ب- انگلیسی

Books

- Tajgman, David & Curtis, (2000), *Karen, Freedom of Association: a User's guide*, Publication of International Labor Office: Geneva.

- International Labor Office, (1991), *Freedom of Association and Collective Bargaining*, International Labor Office Publication, First Published: Geneva.
- Sachar, Rajindar, (2004), *Human Rights: Perspectives and Challenges*, Gyan Publishing House, India.
- Rotunda, Ronald D, (1997), *Modern Constitutional Law*, Fifth Edition, West Publishing Co, USA.
- Gomien, Dona, (2005), *Shout Guide to the European Convention on Human Rights, 3th Editation*, Counsel of Europe Publishing: Strasburg.
- Rohde, Stephen F, (2005), *Freedom of Assembly*, InfoBase Publishing, United States of America.
- Commonwealth Secretariat (Human Right Unit), (2003), *Freedom of Expression Association & Assembly*, Commonwealth Secretariat Publication: London.
- Woolman, Stuart, (2001), *Freedom of Assembly*, Chapter of Constitutional Law of South Africa.
- Inazu, John D, (2012), *Liberty's Refuge*, Yale University Press, United States of America.
- Branet, Hilarie, (2010), *Understanding Public Law*, Routledge-Cavendish, USA.